

دربچه

هاشمی طبّا:

فشارهای جانبی در انتخاب مربی خارجی باعث ذلت کشور می شود

● رئیس پیشین سازمان تربیت بدنی گفت: اگر در یک فضایی باشیم که مراودات بین‌المللی خوبی داشته باشیم، مربی خارجی خیلی هم خوب است، ولی وقتی از همه‌طرف تحت فشار هستیم نباید باعث ذلت کشور شویم. سیدمصطفی هاشمی‌طبّا با حضور در برنامه «ورزش و مردم» درباره وضعیت فوتبال ایران گفت: اولین مسئله‌ای که وجود دارد این است که باید کسانی که به‌عنوان مدیر انتخاب می‌شوند، اهلیت داشته باشند. یکی از این موارد استعداد است و مدیر باید خیلی سختگیر و دقیق باشد. مسئله دوم دانش است که در هیچ‌کدام از موارد این مسئله رعایت نشده است. مدیری که در یک مرکز دولتی کار کرده، مشخص نیست بتواند یک شرکت را بچرخاند. من خودم این قابلیت را ندارم. پول برای مدیران دولتی عدد است و نه مایهت. ما پول را چطور هزینه می‌کنیم؟ او درباره مقایسه مربیان داخلی و خارجی ابراز کرد: الان مشکل اصلی نتیجه‌گرایی است. درباره مایلی‌کهن در تیم ملی صحبت شد، اما باید بگویم مایلی‌کهن چقدر از پشت‌پرده، هم در مطبوعات و هم جاهای دیگر ضربه خورد. اتفاقاتی افتاد که اعتماد بازیکنان به او سلب شد. وقتی واسکو هدایت تیم ملی والیبال ایران را در دست گرفت، همه بازیکنان که برخی از آنها شیطان و شاید تندخو هم هستند، نمی‌توانستند چیزی بگویند، اما پشت سر مایلی‌کهن چقدر حرف زده شد؟ چقدر او را تحریف کردند؟ اعتمادبه‌نفس او و بازیکنان را از بین بردند. وقتی یک نفر را انتخاب می‌کنیم و حمایت نمی‌کنیم؛ یعنی او را انتخاب نکرده‌ایم. رئیس پیشین سازمان تربیت بدنی با اشاره به دوران مدیریت خود خاطرنشان کرد: در آن زمان ما با مربیان کلاس می‌گذاشتیم و صحبت می‌کردیم. مربیان ما آدم‌های بااستعدادی هستند، ولی آیا توانسته‌ایم همه ضوابط را به مربیان آموزش مجدد بدهیم؟ در گذشته در ۱۷۶ شهر ایران ماهی یک روز در طول سال آموزش برای مربیان داشتیم. من با خیلی از مربیان ملی مراودات علمی داشتم. البته مخالف مراودات بین‌المللی نیستیم. در زمان من یک گروه کانادایی برای آموزش مربیان به ایران آمد که خود من نیز از کلاس‌های آنها خیلی چیزها یاد گرفتم. هاشمی‌طبّا یادآور شد: الان برای تیم ملی والیبال بحث مربی داخلی است. من مطمئن الان اگر یک مربی خوب داخلی گذاشته شود و یک بازیکن چیزی بگوید، دست از حمایت مربی برداشته می‌شود. باید به صورت منطقی از مربی ایرانی حمایت کنیم. البته اگر مربی هم اشتباه می‌کند باید با او برخورد کنیم. اینجا نقش مدیر خیلی مهم است. وی با اشاره به انتخاب ویرا برای تیم ملی ایران بعد از مایلی‌کهن، تصریح کرد: من در انتخاب ویرا دخالتی نداشتم که البته متخصصان هم می‌گفتند او بیشتر روان‌شناس است تا مربی. قرار بود به جام جهانی برویم که رقیتم و اگر بازی آخرمان را نگاه کنید، آن قدر اماواگر داشتیم که کار از خیلی سخت می‌کرد. ما اگر در یک فضایی باشیم که مراودات بین‌المللی خوبی داشته باشیم، مربی خارجی خیلی هم خوب است، ولی وقتی از همه‌طرف تحت فشار هستیم نباید باعث ذلت کشور شویم. به استفاده از مربی خارجی اعتقاد دارم، اما مدیران ما نباید تحت فشار فضاهای اجتماعی باشند. یکی از مهم‌ترین زیان‌هایی که به ما وارد می‌شود از مدیریت است. ما در زمینه مدیران هیچ‌گونه آموزشی که آنها را ارتقا دهد، نداریم. رئیس پیشین سازمان تربیت‌بدنی گفت: در مورد انتخاب وزرا هم ما نمی‌رویم ببینیم بهترین آدم‌ها چه کسانی هستند و می‌رویم ببینیم چه کسانی نزدیک‌ترین افراد هستند. شایسته‌گزینی واقعا در کشور ما فراموش شده است. البته این‌مورد در همه‌جای دنیا وجود دارد و ترجیح می‌دهیم کسی را که نزدیک‌تر به ماست، انتخاب کنیم. ما باید مدیری را انتخاب کنیم که مختص آن کار است. سهراب سپهری را نمی‌توانیم برای توپ درکردن انتخاب کنیم یا یک موسیقیدان نمی‌تواند یک آری‌جی‌زن باشد. یک مدیر باید شایستگی داشته باشد و اگر شایستگی نباشد، این وضعی که الان هست، پیش می‌آید. یک وزیر را می‌شناختم که خودش در آن حوزه چیزی نمی‌دانست، اما آدم‌هایی را انتخاب کرده بود که مختص آن کار بودند. هاشمی‌طبّا ابراز کرد: زمانی که صفای‌فراهانی برای فدراسیون انتخاب شد، گفتم او دیگر به حرف ما گوش نمی‌دهد. ما به‌جای اینکه آدم‌هایی را بگذاریم که با ما باشند، باید آدم‌هایی را انتخاب کنیم که مشورت‌پذیر و کاری باشند. البته صفای‌فراهانی هم چندبار با من مشورت کرد. من متأسفانه کار را گروهی انجام نمی‌دهیم و مشورتی وجود ندارد؛ مثلاً در باشگاه پرسپولیس هیئت‌مدیره کاری به انضاری‌فرد نداشت و او هم کاری به هیئت‌مدیره نداشت یا در فدراسیون فوتبال تاج قراردادی را امضا کرده بود که اعضای هیئت‌رئیس‌ه از آن بی‌اطلاع بودند و مشورتی صورت نگرفته بود.

فضای فوتبال ایران در هشت سال اخیر آن‌قدر التهاب داشته که اگر با تلاطمی سیاسی مقایسه شود، چندان بی‌ربط به نظر نمی‌رسد. اتفاقاًفضایشباهت زیادی به سیاست انتخابات در روسیه و تحولات اخیرش داشت؛ جایی که بوتین، سرشناس‌ترین فرد این کشور پهناور، در دوره‌ای کوتاه قدرت را به دست معاونش؛ یعنی مدودف سپرد تا خودش از دور کارها را کنترل کند و در فرصت مناسب دوباره وارد چرخه ریاست شود.

مدل این اتفاق در فدراسیون فوتبال ایران رخ داد؛ البته نه از روی اختیار، بلکه از روی اجبار! اردیبهشت ۱۳۹۵ بود که مهدی تاج، معاون علی‌کفاشیان، رئیس دوره قبلی فدراسیون فوتبال، به‌عنوان رئیس جدید فدراسیون فوتبال انتخاب شد. تاج بعد از انتخاب‌شدنش که با اعتراض دیگر رقبایش همراه بود، علی‌کفاشیان را به‌عنوان نایبرئیس اول فدراسیون فوتبال معرفی کرد. درواقع تاج (بوتین داستان فوتبال ایران) که خودش در دوره قبلی، مهدی تاج را به‌عنوان نایبرئیس داشت، این‌بار، نایبرئیس معاونش شد (تاج در نقش مدودف) تا فوتبال ایران به زندگی نه‌چندان شاداش ادامه دهد.

اصطلاح بوتین - مدودف برای کفاشیان و تاج، از همان زمان شکل گرفت، ولی همان‌طور که در سطور بالا آمد، این اصطلاح چندان اختیاری نبود و بیشتر از روی اجبار شکل گرفته بود.

ماجرای از این قرار بود که چند ماه قبل از انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال در آن سال، عرصه بر علی‌کفاشیان به‌عنوان رئیس وقت فدراسیون فوتبال تنگ شده بود. او با وجود ریاست هشت‌ساله‌اش بر فدراسیون، می‌خواست برای دوره جدید هم ثبت‌نام کند، بااین‌حال، طرح موضوعاتی مانند فساد، ناکارآمدی و البته بهانه‌ای به نام بازنشستگی مانع از آن شد که علی‌کفاشیان دوباره برای انتخابات نام‌نویسی کند. فضا در آن برهه به‌گونه‌ای بود که حتی محمود گودرزی، وزیر وقت ورزش، جواب سلام علی‌کفاشیان را نمی‌داد.

از سوی دیگر، گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هم

خبر از این می‌داد که علی‌کفاشیان «متهم شماره یک فساد» است! همه این موضوعات دست به دست هم داد تا مانع از اسم‌نویسی مجدد کفاشیان در فدراسیون فوتبال شود. کفاشیان این موارد را در گفت‌وگو با «شرق» این‌طور توضیح داد: «نمی‌خواستند من شرکت کنم؛ می‌گفتند کفاشیان بالاخره هشت سال ریاست کرده و دیگر بس است؛ بهتر است برود و در منزلش دیگر استراحت کند تا نفر بعدی با انرژی و پتانسیل بیشتری بیاید. این اهداف درواقع اهداف مسئولان بیرون از فوتبال است. البته این را هم بگویم که به طرق مختلف هماهنگی‌های لازم را هم با هم کردند که من نباشم... افراد با سلیقه‌های مختلف و شخصی آمدند به من گفتند نیا. مهدی تاج اما شاید به لطف رفاقت دیرینه‌ای که با علی‌کفاشیان داشت، او را به‌عنوان نایبرئیس اول انتخاب کرد، آن هم در شرایطی که مخالفان کفاشیان می‌گفتند او بازنشسته است و از آنجا که نایبرئیس شغل است، در نتیجه نمی‌تواند در همین پست هم باقی بماند. بااین‌حال کفاشیان به‌عنوان نایبرئیس در فدراسیون به کارش ادامه داد تا این شایعه که او در پشت‌پرده همه امور فدراسیون را می‌چرخاند (شبه بوتین در سیاست روسیه) و مهدی تاج فقط اوامر را اجرا می‌کند (مدودف) قوی‌تر شود.

البته رفتاری که با کفاشیان شده بود نشان می‌داد او نه‌تنها قدرت بوتین در سیاست‌گذاری‌های کلان را ندارد، بلکه آن‌قدر در محصوره گیر کرده که هیچ پشتیبانی هم ندارد؛ وزارت ورزش وقت دل خوشی از کفاشیان نداشت و رسانه‌ها هر روز به مواردی اشاره می‌کردند که نام فساد در فدراسیون کفاشیان به گوش می‌رسید. گزارش اصل ۹۰ هم که برای او دردرسر تازهای به همراه داشت. از همه مهم‌تر اما شاید نداشتن «سیر رسانه‌ای» یا چیزی شبیه به آن بود که باعث شد علی‌کفاشیان بابت اتفاقات ریزودرشت برود و جواب پس بدهد؛ از شایعه ماشین گران‌قیمتی که عنوان شده بود رویانیاں به پسر او داده تا فسادهای مطرح‌شده در پیونده‌های دیگر، سرانجام

ورزش

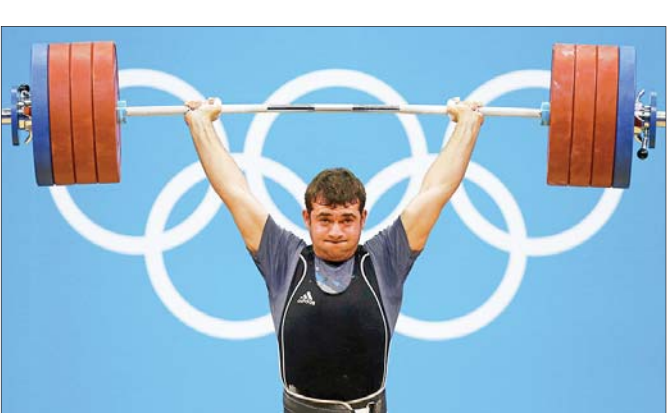


بازداشت کفاشیان، سپرتاج!

کار به جایی رسید که علی‌کفاشیان حتی چند روزی را بازداشت شد و لباس زندانی‌ها را به تن کرد؛ موضوعی که خودش این‌گونه به آن اشاره می‌کند: «بنده را گرفتند و به زندان بردند و حتی لباس زندانی‌ها را هم تن کردند و من آن تجربه را هم به دست آوردم، ولی نهایتاً مشخص شد چیز خاصی نیست و همه دعوای به‌خاطر پست ریاست فدراسیون فوتبال است. این پست، پستی است که چنین مباحثی را دارد، ولی مسئولانی که چنین کاری می‌کنند به نظم امتحان بدی می‌دهند؛ آنها هم بهتر است با قوانین و مقررات حرکت کنند، به افراد احترام بگذارند و خودشان را از همه بالاتر ببینند. به نظم هیچ فرقی بین انسان‌ها نیست؛ رئیس‌جمهور هم یک انسان است و یک فرد عادی هم انسان است. همه با هم یکسان هستند و باید این حقوق رعایت شود. متأسفانه بعضی‌جاها به‌خاطر امیال و سلیقه‌های شخصی و افکار خراب چنین معضلاتی را به وجود می‌آورند. البته این را هم بگویم که منظورم از بیان این مطالب این نیست که من هم خیلی خوب و کاملاً در سلامت کار کرده‌ام، ولی باید قبول کنیم عقل و نظر جمعی مثل اعضای مجمع که با بنده سروکار دارند به عقل یک یا دو نفر ارجحیت دارد... در یکی از روزنامه‌ها درباره من نوشته بودند: «سردار رویانیاں یک ماشین گران‌قیمت به پسر کفاشیان داده است». نمی‌دانم ماشین «مازاراتی» بود یا هر چیزی. جالب است درباره همین موضوع از من سؤال و بازجویی می‌کردند؛ می‌گفتند اقا این ماشین ماجرباش چه شد؟ گفتم این چه سؤالی است که از من می‌پرسید؟ چرا اصلاً او باید ماشین به ما بدهد؟! اصلاً چرا من باید ماشین را از او بگیرم؟ مگر چیز ساده‌ای است که ماشین خیلی گران‌قیمتی را بیاید به پسر من بدهد؟ به‌رحال روزنامه دیگری هم می‌نویسد پسر کفاشیان میلیارد‌ها برداشته برده، چه می‌شود کرد؟».

کفاشیان نه‌تنها به‌خاطر شایعه ماشین پسر و فساد در فدراسیونش بارها مورد بازجویی قرار گرفت، بلکه گوشش را هم برای مذاکره جهت الگوداری پخش

سعید محمدپور: دوربین‌ها فقط بهداد را می‌دیدند



برکناری تاماش آیان، رئیس فدراسیون جهانی وزنه‌برداری و بازشدن پرونده‌های فساد مالی و دوپینگ‌های سازمان‌یافته در این رشته بهانه‌ای شد تا پای صحبت سعید محمدپور، وزنه‌بردار سابق تیم ملی بنشینیم. وزنه‌بردکار کاشانی که قربانی دیسسه‌های پشت‌پرده این فدراسیون شد و در آستانه ۲۷ سالگی مجبور به کناره‌گیری از ورزش قهرمانی شد، محمدپور در حالی عنوان قهرمانی المپیک ۲۰۱۲ را در کارنامه دارد که بعد از چهار سال فهمید مدال طلای این بازی‌ها حق او بوده است. گفت‌وگوی او با «شرق» در ادامه می‌خوانید.

❧ آقای محمدپور برکناری تاماش آیان، رئیس فدراسیون جهانی باعث شده این روزها خیلی از تخلفات این فدراسیون برملا شود. نمونه‌اش افشاکاری‌های اخیر بهداد سلیمی بود که گفت چطور حش را در المپیک ریزو خوردند. شما هم یکی از وزنه‌بردارانی بودید که در دوره آیان قربانی شدید و بعد از چند سال به مدال طلای المپیک رسیدید. قدری درآین‌باره صحبت می‌کنید؟ آیان ۳۵ سال در فدراسیون جهانی وزنه‌برداری رئیس و دبیر کل بود و قدرت زیادی به دست آورده بود. همه کشورها می‌دانستند که او این مجموعه را به‌صورت مافیاد اداره می‌کند؛ اما چون جرتش را نداشتند، نمی‌توانستند مقابلش بایستند. البته یک‌سری کشورها در این مسیر پول خرج می‌کردند و به او باج می‌دادند تا با مشکل مواجه نشوند، اما تعدادی کشورها مثل ایران که قدرت مقابله با او را نداشتند حششان ضایع می‌شد. نمونه‌اش هم خود من بودم که در المپیک ۲۰۱۲ با یک‌سری وزنه‌بردار ناپاک رقابت کردم که در نهایت بعد از چهار سال معلوم شد آزمایش دوپینگ همه آنها مثبت اعلام شده و مدال طلا به من رسید. در دسته من دوپینگ هفت نفر اول به‌جز من مثبت درآمد. به‌رحال همه این اتفاقات افادت تا اینکه آن شبکه آلمانی آمد و با ارائه اسناد و مدارک از تخلفات او پرده برداشت؛ اما نکته اینجااست که آیان رفته اما بدنه فدراسیون جهانی وزنه‌برداری هنوز همان افرادی هستند که با او کار می‌کردند. به‌رحال همه کارکنان این فدراسیون در تخلفاتی که انجام شده سهیم هستند و باید درباره آنها هم تصمیم‌هایی گرفته شود.

❧ فکر می‌کنید اگر طلای المپیک ۲۰۱۲ لندن را همان موقع می‌گرفتید، سیر زندگی‌تان تغییر می‌کرد؟

قطعه همین‌طور بود. اگر من آن موقع قهرمان شده بودم، راهم را حرفه‌ای‌تر ادامه می‌دادم و امید و انگیزه بیشتری داشتم. اتفاقات تلخ الان

تلویزیونی با یک شبکه خارجی کشیدند؛ او به زعم خودش می‌خواست به فوتبال خدمت کند. اگرچه در آن برهه محرومیتی برای علی‌کفاشیان در نظر گرفته نشد، ولی مشخص بود که روی او زوم شده و هر حرکتی می‌کرد باید برایش پاسخی داشته باشد. پس آدمی که برای شایعات (بنا بر ادعای خود کفاشیان) هم باید بازجویی می‌شد قطعه نمی‌توانست «بوتین» داستان باشد. او آن‌قدر تحت فشار بود که حتی نتوانست برای ریاست فدراسیون فوتبال در دوره بعدی اسم بنویسد. ماجرا برای مدودف داستان اما کاملاً به‌گونه‌ای متفاوت پیش رفته است؛ اگر ابهامات مالی و مدیریتی در دوره فدراسیون کفاشیان زیاد بود، در مقایسه با دوره ریاست مهدی تاج، به نظر نمی‌رسد عدد چندان درشتی باشد! درواقع بیش از آنکه بحث ابهامات مالی در فدراسیون تحت نظر کفاشیان مطرح باشد، در دوره مهدی تاج مطرح است؛ اگر پسر علی‌کفاشیان برایش دردرس درست کرده بود، پسر مهدی تاج هم کم شایعه پشت‌سرش ندارد. چطور می‌شود با یکی مثل علی‌کفاشیان به‌خاطر حتی شایعات برخورد می‌شود و او مورد بازجویی قرار می‌گیرد، ولی یکی مثل مهدی تاج نه‌تنها مورد مواخذه از سوی مسئولان امر قرار نمی‌گیرد، بلکه وقتی از او نقدی می‌شود، با تندی به رقیب می‌تازد و خودش را میرا از هرگونه اشتباهی می‌اند.

آیا همه این موارد به‌خاطر این شایعه نیست که مهدی تاج سپر قوی‌ای دارد که مانع از هرگونه ارائه توضیحی از سوشش می‌شود؟ (ادعایی که در برنامه فوتبال برتر

از سوی مجری برنامه مطرح شد و بسیاری به اشتباه سپر رسانه‌ای را عادل فردوسی‌پور قلمداد کردند) آیا حامیان مهدی تاج باعث شده‌اند تا او از اقتضای قرارداد

ویلموتس به‌عنوان یک قرارداد بسیار خوب یاد کند و رقبا را به بی‌دانشی متهم؟ و سؤال مهم‌تر اینکه آیا اراده‌ای برای مواخذه از مسردی که عجیب‌ترین قرارداد تاریخ فدراسیون فوتبال را با همراهی مشاوران و حامیانش نوشته، وجود دارد؟

المپیک در دوره‌های مریگری خارج از کشور حضور پیدا کرد و نتوانست مدرکش را بگیرد؛ اگر این شرایط برای من هم مهیا شود، خیلی استقبال می‌کنم. به‌رحال هزینه این دوره‌ها از عهده خود شخص خارج است. اگر نه که در همین داخل دوره‌های مریگیری را می‌گذارم. من جز آن دسته از وزنه‌بردارانی بودم که اتفاقی سمت این رشته نیامدم، عاشق وزنه‌برداری بودم. دلم می‌خواهد به جوانان علاقه‌مند وزنه‌بردار کمک کنم.

❧ رابطه‌تان با فدراسیون وزنه‌برداری چطور است. متأسفانه هیچ‌کدام از قهرمانان با علی‌مرادی، رئیس فدراسیون، مراوده خوبی ندارند.

من هم مثل سایرین هستم. ما یک زمانی با آقای رضازاده، رئیس فدراسیون قبلی، مشکل داشتیم و آقای مرادی مصاحبه می‌کردند. فدراسیون خانه وزنه‌برداران است چه ملی‌پوش

باشند و چه نباشند، نباید در این خانه را به روی آنها بست؛ اما ایشان الان خودشان دارند برعکس صحبت‌هایشان عمل می‌کنند. هیچ نمی‌توان با ایشان کار کرد. به‌خاطر اینکه آقای مرادی می‌خواهد در کار همه دخالت کند. من سال ۲۰۱۵، یک ماه قبل از رقابت‌های جهانی در رکوردگیری تیم ملی دستم آسیب دید و از جا در رفت. آن موقع آقای مرادی گفت همه کارهای درمانی من را متقبل می‌شوند، اما هیچ کاری برایم نکردند. آقای باقری، رئیس کمیته پزشکی فدراسیون بودند. همان زمان بهداد هم مصدوم شده بود اما چون دوربین‌ها بیشتر سمت بهداد می‌رفتند، آقای باقری فقط کنار بهداد بود. روزی هم که وقت عمل من شد فقط با من تا اتاق عمل آمد. آن هم به خاطر این بود که دوربین‌ها آمده بودند آنجا و می‌خواست خودش دیده شود. بعد از اینکه عمل شدم و تمریناتم را شروع کردم، به فدراسیون رفتم که آقای مرادی اجازه ندادند از کمپ تیم‌های ملی استفاده کنم. متأسفانه وزنه‌برداری ما رو به نابودی است. اگر سهراب و کیانوش را از این فدراسیون بگیرند، ایران اصلاً وزنه‌برداری ندارد.

❧ سرحبت پاداش مدال طلااتان در المپیک لندن هم خیلی برایتان دلخوری به وجود آمد. بالاخره پاداشتان را گرفتید؟

پاداش مدال طلا در المپیک لندن ۲۰۰ سکه طلا بود. آن موقع سکه یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود. من هم درخواست این بود که پاداش من را هم مثل بقیه طلایی بدهند، ولی آقای وزیر گفتند بودجه ندارند. بعد از هشت سال ۲۲۰ میلیون به‌صورت نقدی به من دادند. یعنی یک‌پنجم جایزه‌ای که حقم بود.

فوتبال

مشخص شدن بدهی مالیاتی قراردادهای ویلموتس و کی‌روش

● فدراسیون فوتبال در قرارداد کارلوس کی‌روش و مارک ویلموتس، پرداخت مالیات این دو نفر را برعهده گرفته و درحال‌حاضر مبلغی چندده میلیاردتومانی بدهی مالیاتی از این دو قرارداد دارد. به گزارش ایسنا، پرداخت مالیات بازیکنان و مربیان توسط باشگاه‌های فوتبال در ایران، یک رویه قدیمی است و سال‌هاست صدای اهالی فوتبال ایران را درآورده و موجب بدهی روزافزون تیم‌های ایران شده است. در پی مشکلات متعددی که برای فوتبالیست‌ها و مربیان ایرانی و خارجی از سوی باشگاه‌ها به وجود آمده، فدراسیون فوتبال چندین‌سال قبل و درست چند ماه قبل از تمدید قرارداد کی‌روش از اهالی فوتبال خواست مالیات را برعهده باشگاه‌ها نگذارند تا با بی‌توجهی آنها، مشکلی برای بازیکنان به وجود نیاید. با وجود این موضوع، فدراسیون در قرارداد کی‌روش و ویلموتس نسبت به درخواست خودش بی‌توجهی کرده و درحال‌حاضر پرداخت مالیات هنگفت دو مربی خارجی سابق فوتبال ملی بر دوش این فدراسیون محول شده است. هرچند طبق قانون، پرداخت مالیات برعهده اشخاص است و سازمان امور مالیاتی توجهی به قرارداد منعقدشده میان اشخاص و باشگاه‌ها ندارد، اما باشگاه‌ها در صورتی که به تعهد مالیاتی در قبال بازیکنان و مربیان عمل نکنند، با شکایت آنها مواجه خواهند شد و نمی‌توانند نسبت به این موضوع بی‌توجهی کنند. با توجه به این موضوع، نگاهی به قرارداد کارلوس کی‌روش و مارک ویلموتس خواهیم داشت تا بدهی مالیاتی فدراسیون فوتبال به‌جای این دو مربی را محاسبه کنیم که طبق قرارداد، رقم هنگفتی است و نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد.

ویلموتس

دستمزد سالانه ویلموتس ۲.۲۵ میلیون یورو بود که این مبلغ برای هر ماه معادل ۱۸۷.۵ هزار یورو است. با احتساب حضور شش‌ماهه این مربی در فوتبال ایران، دستمزد ویلموتس برای این مدت‌زمان معادل ۱.۱۲۵ میلیون یورو خواهد شد و فدراسیون باید با تبدیل این مبلغ به ریال دستمزد او را بر اساس جدول مالیات بر حقوق سال ۹۸ پرداخت کند. دستمزد ۱.۱۲۵ میلیون یورویی ویلموتس با احتساب هر یورو ۱۹ هزار و ۹۰۰، معادل ۲۲ میلیارد و ۳۸۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خواهد شد که با کسر ۲۳۱ میلیون تومان، رقمی در حدود ۲۲ میلیارد تومان شامل قانون مالیات می‌شود. طبق این جدول و کسر ۲۵ درصد از ۲۲ میلیارد باقی‌مانده، فدراسیون فوتبال موظف است هفت میلیارد و ۷۵۴ میلیون و ۷۷۵ هزار و ۵۰۰ تومان به سازمان امور مالیاتی پرداخت کند. این وضعیت وقتی بدتر می‌شود که سیر ارزهای خارجی در ایران صعودی است و تا وقتی که پرداخت نشود، به سیر صعودی خود ادامه خواهد داد.

کی‌روش

قرارداد ویلموتس در خیلی از مفاد مانند قرارداد کی‌روش است و به همین دلیل، مالیات دستمزد سرمربی پرتغالی هم برعهده فدراسیون فوتبال است. با توجه به اینکه مالیات سال‌های حضور کی‌روش در ایران پرداخت شده و فقط مالیات دوران جام جهانی تا باقی‌مانده، فدراسیون فوتبال موظف است کی‌روش برای دوران حدوداً هفت‌ماهه حضور ۹۰۰ هزار یورو بود که به قیمت روز یورو در ایران، معادل ۱۷ میلیارد و ۹۱۰ میلیون تومان می‌شود. مالیات این قرارداد طبق جدول مالیاتی سال ۹۷، معادل شش میلیارد و ۱۲۱ میلیون تومان خواهد شد. روی‌هم‌رفته، فدراسیون فوتبال به‌خاطر مالیات دستمزد ویلموتس و کی‌روش، حدود ۱۳ میلیارد و ۸۷۵ میلیون تومان بدهکار است که در وضعیت کنونی این فدراسیون رقم کمی نیست. هرچند آن‌طور که از شواهد و قرائن مشخص است، همان‌طور که پرسپولیس مالیات برانکو را پرداخت نکرده، فدراسیون فوتبال هم مالیات آخرین سال حضور کی‌روش در ایران و همین‌طور ویلموتس را پرداخت نکرده است، اما اگر قرار بر ادامه فعالیت با این مربیان باشد، در این صورت این ضروریان متحمل فوتبال ایران خواهد شد. به همین دلیل عجیب است که فدراسیون فوتبال با وجود بررسی‌های زیاد روی ابعاد مختلف قرارداد کی‌روش، در قرارداد ویلموتس هم بند پرداخت مالیات را توسط خودش گنجانده بوده است.

مذاکره شالکه با سرمربی سابق تیم ملی ایران

● سرمربی سابق تیم ملی فوتبال ایران یکی از دو گزینه نهایی هدایت تیم فوتبال شالکه آلمان است. به گزارش مهر، سایت «dhnnet» بلژیک خبر داد مارک ویلموتس با باشگاه شالکه ۴- آلمان برای قبول سرمربیگری این تیم مذاکره می‌کند. این سایت مدعی شد «دیوید واکنر»، سرمربی شالکه، به‌خاطر کسب نتایج ضعیف در این تیم (چهار باخت متوالی ۱۲ و بازی بدون برد) به درهای خروج نزدیک شده است. dhnnet نوشت: «شالکه درحال‌حاضر مشغول مذاکره با مربیان جدید است. سه اولویت سرمربیگری این تیم درحال‌حاضر در دسترس نیستند؛ بنابراین آنها دوام مطرح شده است؛ راتول کونزالس، سرمربی تیم دوم رئال مادرید و همچنین مارک ویلموتس که درحال‌حاضر بی‌کار هستند. ویلموتس بعد از دو حضور در تیم شالکه و کسب قهرمانی جام یوفا در سال ۲۰۰۳ مربی موقت تیم بود. این مربی سابق بلژیک سرمربی دو تیم بوده است؛ ناگامی در ساحل عاج و ایران در سال‌های اخیر.